

سهم سفره‌های کوچک در انبارهای بزرگ!



عکسی از روزهایی که نیروهای متفقین شهر قزوین را اشغال کردند و مردمی که در صف تهیه مواد غذایی ساعت‌ها منتظر می‌مانند

● جنگ و اختکار

شهریورماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی، روس‌ها مشهد را به اشغال خود در می‌آورند و وضعیت معیشتی مردم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. خبر کشف ۹۸ کیسه قند و صندوق نبات از خانه شیخ حسن عطار در بالاخیابان، از نخستین اخباری است که درباره اختکار مواد غذایی در مهرماه سال ۱۳۲۰ خورشیدی به چاپ رسیده است.

این فرد به جای فروش سه کیلو قند به بهای ۲۱ ریال، هر کیلو از آن را بیست ریال می‌فروشد و صدای مردم را در می‌آورد. ضیانیا، یکی از شهروندان، با نوشتن نامه‌ای به روزنامه‌ها و اشاره به این داستان می‌نویسد: «بند هفت روز است یک سیرقند نتوانسته‌ام به دست بیاورم... می‌گویند کسبه و تجار جای وقت‌درآیندها را کرده‌اند و به قیمت گزافی به کسبه فروخته تا آن‌ها هم دو برابر قیمتی که خریده یک سیر یک سیر به مردم می‌فروشند.»

طبق نامه‌ای فرد، کاسبان چند قلدر را گماشته‌اند تا قندها را با روزگویی و کنار زدن مردم در صف، با قیمت کم بخرند و شب به منزل همان فروشنده تحویل دهند و او قند را خرده‌خرده با قیمت بالا و با منت به مردم بدهد و سود چند برابری به دست بیاورد. رئیس اداره دارایی اقتصادی مشهد تلاش می‌کند تا با واگذاری فروش کالاهای اختکاری به دکان‌ها و شعبات رسمی پخش و تعیین قیمت، این وضع را کنترل کند. به همین خاطر به روزنامه آگهی می‌دهد که افرادی که سابقه فروش قند و شکر، جای، برنج و کالای دکانی دارند عامل فروش کالاهای اساسی شوند.

البته قند تنها محصولی نیست که نایاب شده و داد مردم را از نبود غله هم درآورده است. چریده حاضر در مقاله‌ای در این باره می‌نویسد: «مسائل دیگری از قبیل نبود امنیه و آشفته شدن راه‌ها و تزلزل دهات و افتادن تنگ به دست اشرار بر بی‌وجدانی اختکارکنندگان مزید گردید و روز به روز امرنان و ارزاق آینده شهر مشهد دچار سختی و اشکال و بیم و هراس شد.»

چیره بندی در این شرایط به عنوان تسکینی موقت به داد مردم می‌رسد تا به همه افراد مقداری قند و شکر برسد. مأموران به در منازل رفته و آمارگیری می‌کنند تا به آن‌ها سهمیه اختصاص دهند. به ظاهر در این شرایط، بسیاری از کاسبان پیش از اجزای چیره‌بندی و اختصاص کوپن مقدار زیادی از اجناس مختلف را انبار کرده‌اند تا با قیمت گزاف بفروشند.

نان در اثر این اختکاری بی‌کیفیت و نایاب می‌شود و حتی مسئولان در اداره شهرداری دم‌پخت تهیه و در بعضی نقاط به مردم عرضه می‌کنند تا جای نان را بگیرد. برای جلوگیری از این وضعیت، اداره تثبیت غله نیز شکل می‌گیرد تا وضع نان بهبود پیدا کند و گندم را از دست محتکران و سودجویان دور نگه دارد.

حتی نفت نیز از سودجویی محتکران در امان نمی‌ماند. یک خرداد ماه سال ۱۳۲۱ خورشیدی

سیده‌نعمه زینبی جنگ بار دیگر سایه‌اش را بر سرمانداخته و خود را به ماتحمل کرده است. شرایط جنگی معمولاً کمبود کالاهای اساسی را تشدید می‌کند؛ از یک سو مردم برای ذخیره‌های کالاهای حیوانی می‌آورند و از سوی دیگر سودجویان انبارهای خود را پر می‌کنند تا در زمان کمیابی، اجناسشان را با قیمت بالاتر به بازار عرضه کنند. اتفاقی که در جنگ‌های گذشته ایران بارها موجب کمبود کالاهای اساسی شده است. با این حال در جنگ تحمیلی سوم، با تلاش و هوشمندی دست‌اندرکاران، از بروز چنین وضعیتی جلوگیری شد. همین مسئله ما را بر آن داشت تا نگاهی به ماجرای اختکار در سال ۱۳۲۰ خورشیدی بیندازیم؛ زمانی که متفقین ایران را اشغال کرده بودند و در آشفته‌گی بازار، صدای اعتراض مردم از کمبود مواد غذایی و دیگر اجناس ارزشمند بلند شده بود. در آن سال‌ها مشهد در دست نیروهای روس قرار داشت و جز روزنامه «آزادی» هیچ نشریه‌ای در شهر توزیع نمی‌شد. به همین دلیل صفحات همین روزنامه را ورق می‌زنیم تا در روز ملی «نان و گندم، قصه‌ای دیگر از دل این اوراق کاهی بیرون بکشیم و این بار وضعیت اختکار در مشهد آن روزگار را بررسی کنیم.

«آزادی» این خبر را منتشر می‌کند: «چند روز پیش عده‌ای برای گران کردن و سوءاستفاده خویشتن شروع به خرید و اختکار نفت نموده و ناگهان قیمت آن را بالا برده موجب تشویش گردیدند.» عبدالحسین دلال از آن دست کسانی است که مقداری نفت می‌خرد و در دکان علافی پنهان می‌کند تا آن را گران‌تر عرضه کند. ولی سر و کارش به دست مأموران و اخبار روزنامه می‌افتد. این میان خبر گرانی کره و روغن نیز در ۶ خرداد سال ۱۳۲۱ خورشیدی، از راه می‌رسد: «دو هفته پیش چند روزی کره را یک من ۵۰ ریال فروختند ولی ناگهان گران شده و در عرض ده روز در سه کیلو بیست ریال ترقی کرد. موجب این گرانی ناهنگام نیاورن کره به شهر یا اختکار علاف‌ها و خرید دست‌های محتکرین است؟ معلوم نیست.»

● قانونی برای پیشگیری از انباشت کالا
قانون منع اختکار در ۲۷ اسفند ماه سال ۱۳۲۰ به تصویب می‌رسد تا قیمت‌ها را در مایحتاج عمومی و ضروری مردم کنترل کند و جلوی انبار کردن کالاهای اساسی را بگیرد. البته به نظر می‌رسد این قانون بازدارندگی کافی ندارد و از اخباری که در این باره در روزنامه «آزادی» پس از آن منتشر می‌شود می‌توان فهمید که اختکار فروکش نمی‌کند.
فرزد، پیشکاردارایی استان نهم در آن زمان، آگهی می‌کند: «اداره دارائی ما زادگندم را به بهای رسمی و جو را سه ربع گندم خریداری می‌نماید بنابراین اشخاصی که بدون تعطیل پروانه در خرید و فروش گندم و جو مداخله نمایند طبق قانون اختکار تعقیب خواهند شد.»

چند روز بعد همین روزنامه فهرستی از محتکران نفت منتشر می‌کند. به ظاهر این چند نفر نفت زیادی خریده و انبار کرده‌اند تا با گران شدن نفت آن را بفروشند که پیش از رسیدن به نیتشان دستگیر و تحویل دادگاه شدند. شهرداری سپس به سراغ محتکران روغن می‌رود و از همه می‌خواهد که برای جلوگیری از اختکار این ماده غذایی، انبار کردن غیرقانونی آن را گزارش کنند و از مالداران می‌خواهد که کره و روغن خود را به

آبان ماه سال ۱۳۲۱ خورشیدی شکل می‌گیرد تا به صورت خاص و علنی به مبارزه با اختکار بپردازد. نخستین جلسه این کمیسیون با حضور فرماندار، شهردار، رئیس بانک، ملکی و رئیس دارایی و نماینده دادستانی تشکیل می‌شود و درباره چگونگی اجرای قانون تبادل نظر می‌کنند. بازرسانی نیز از سوی اداره تعیین می‌شود که به سراغ کاسبان بروند و محتکران را شناسایی کنند.

همراه با این اقدام، خرید و فروش گندم، جو و حیوانات اختکاری می‌شود و فقط اداره خواربار و نمایندگان آن مجاز شناخته می‌شوند. با گذشت از زمان مشخص، هر مقدار جنسی که در انبارها کشف شود و اعلام نشده باشد شامل قانون اختکاری می‌شود.

رئیس اداره خواربار همچنین اعلام می‌کند بازرسان علنی اداره با پروانه مخصوص از طرف اداره اجرای قانون منع اختکار مجازند که هر جا لازم باشد راتفتیش کنند. از سوی دیگر بهای اقلام از سوی اداره منع اختکار تعیین می‌شود تا طمع گران‌فروشی باعث اختکار نشود و حمل و نقل کالاهای اساسی به مجوز نیاز دارد.

پیش‌ه‌وران نیز باید موجودی کالایشان را با تعیین مقدار و نوع کالا اعلام کنند و گرنه تحت تعقیب قانون قرار می‌گیرند. افزون بر این، اسامی ۱۵۰ نفر از محتکران و کم‌فروشان به دادسرا داده می‌شود. در این سال هر کس می‌تواند برای هر نفر ۱۵ کیلو آرد، ۶ کیلو برنج، ۱۲ کیلو قند و شکر، ۳ کیلو چای، ۲۴ کیلو روغن و کره، ۵۰ کیلو حبوبات و سبب‌زمینی و ۱۵۰ کیلو زغال چوب و خاکه آن را انبار کند و بیش از این شامل قانون می‌شود و فرد متخلف تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

پیشکار دارایی استان نهم حتی به کاشفان اجناس اختکاری قول می‌دهد که درصدی از کالاهای آن‌ها را هم از مزگانی بدهد. پس از این در هر صفحه روزنامه خبر از اختکار و اسامی محتکران به چشم می‌خورد که اقلامی مانند نفت و بنزین، سیگار، نخود، گندم، برنج و انواع کالاهای ضروری را از آن‌ها بازپس گرفته‌اند.
۲۸ آبان ماه شصت خوار نخود در سرای محمدیه کشف می‌شود و از مالک آن هاتعهد گرفته می‌شود که اجناسش را به پیش‌ه‌وران جزء بفروشد. یکی از این خبره‌انسان می‌دهد که اختکار حتی به دارو هم رسیده است. ۲۰ آذرماه سال ۱۳۲۱ «آزادی» می‌نویسد: «چند روز قبل مقداری دوا متعلق به دواخانه پرور در خانه یکی از اقوامش پنهان بوده کشف و تحویل بهداری شده است. اگر این اختکارها نباشد چگونه داروفروشی می‌تواند قرص ۲۰ ریالی را به ۳۰۰ ریال بفروشد...»

این بگیر و ببندها در اسفند ماه سال ۲۱ به دستگیری ۶۲۵ نفر متخلف منجر می‌شود که برای آن زمان آمار بالایی است. ظاهراً همین اقدامات است که باعث می‌شود در شرایط جنگی تا حدودی قیمت‌ها کنترل شود و عرضه و تقاضا تا حدودی روی روال بیفتد.

● منع اختکار با کمیسیون

میان تصویب قانون و تشکیل کمیسیون منع اختکار که در آن پیش‌بینی شده است، چند ماهی فاصله می‌افتد. اما بالاخره این کمیسیون در ۲۵

آبان ماه سال ۱۳۲۱ خورشیدی شکل می‌گیرد تا به صورت خاص و علنی به مبارزه با اختکار بپردازد. نخستین جلسه این کمیسیون با حضور فرماندار، شهردار، رئیس بانک، ملکی و رئیس دارایی و نماینده دادستانی تشکیل می‌شود و درباره چگونگی اجرای قانون تبادل نظر می‌کنند. بازرسانی نیز از سوی اداره تعیین می‌شود که به سراغ کاسبان بروند و محتکران را شناسایی کنند.

همراه با این اقدام، خرید و فروش گندم، جو و حیوانات اختکاری می‌شود و فقط اداره خواربار و نمایندگان آن مجاز شناخته می‌شوند. با گذشت از زمان مشخص، هر مقدار جنسی که در انبارها کشف شود و اعلام نشده باشد شامل قانون اختکاری می‌شود.

رئیس اداره خواربار همچنین اعلام می‌کند بازرسان علنی اداره با پروانه مخصوص از طرف اداره اجرای قانون منع اختکار مجازند که هر جا لازم باشد راتفتیش کنند. از سوی دیگر بهای اقلام از سوی اداره منع اختکار تعیین می‌شود تا طمع گران‌فروشی باعث اختکار نشود و حمل و نقل کالاهای اساسی به مجوز نیاز دارد.

پیش‌ه‌وران نیز باید موجودی کالایشان را با تعیین مقدار و نوع کالا اعلام کنند و گرنه تحت تعقیب قانون قرار می‌گیرند. افزون بر این، اسامی ۱۵۰ نفر از محتکران و کم‌فروشان به دادسرا داده می‌شود. در این سال هر کس می‌تواند برای هر نفر ۱۵ کیلو آرد، ۶ کیلو برنج، ۱۲ کیلو قند و شکر، ۳ کیلو چای، ۲۴ کیلو روغن و کره، ۵۰ کیلو حبوبات و سبب‌زمینی و ۱۵۰ کیلو زغال چوب و خاکه آن را انبار کند و بیش از این شامل قانون می‌شود و فرد متخلف تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

پیشکار دارایی استان نهم حتی به کاشفان اجناس اختکاری قول می‌دهد که درصدی از کالاهای آن‌ها را هم از مزگانی بدهد. پس از این در هر صفحه روزنامه خبر از اختکار و اسامی محتکران به چشم می‌خورد که اقلامی مانند نفت و بنزین، سیگار، نخود، گندم، برنج و انواع کالاهای ضروری را از آن‌ها بازپس گرفته‌اند.
۲۸ آبان ماه شصت خوار نخود در سرای محمدیه کشف می‌شود و از مالک آن هاتعهد گرفته می‌شود که اجناسش را به پیش‌ه‌وران جزء بفروشد. یکی از این خبره‌انسان می‌دهد که اختکار حتی به دارو هم رسیده است. ۲۰ آذرماه سال ۱۳۲۱ «آزادی» می‌نویسد: «چند روز قبل مقداری دوا متعلق به دواخانه پرور در خانه یکی از اقوامش پنهان بوده کشف و تحویل بهداری شده است. اگر این اختکارها نباشد چگونه داروفروشی می‌تواند قرص ۲۰ ریالی را به ۳۰۰ ریال بفروشد...»

این بگیر و ببندها در اسفند ماه سال ۲۱ به دستگیری ۶۲۵ نفر متخلف منجر می‌شود که برای آن زمان آمار بالایی است. ظاهراً همین اقدامات است که باعث می‌شود در شرایط جنگی تا حدودی قیمت‌ها کنترل شود و عرضه و تقاضا تا حدودی روی روال بیفتد.



عکس در دوره قاجار و پشت دروازه‌های شهری در غرب ایران اثر آنتوان سربویکن



سال‌های قحطی در ایران هم‌زمان با جنگ جهانی دوم

گذری بر پیشینه تأسیس سفارتخانه‌ها در ایران

سفر در تاریخ «باغ سفارت»



هادی دقیقاً در زمان قاجاریان، در ایران نقطه عطف‌های زیادی ایجاد شد که البته بیشترشان را جبر زمانه ایجاب می‌کرد. روزگار قاجارها، روزگار شکل‌گرفتن نوعی نظم جهانی بود که سرریزش از اروپا به ایران وارد می‌شد. از این رو، در ایران امروز وقتی سراغ تاریخ فناوری‌ها یا برخی تحولات اجتماعی می‌رویم، سرشان را در زمان قاجار پیدا می‌کنیم. ارتباط ایران با جهان در این دوره بیشتر شد و البته سنبه استعمار هم پرزورتر شده بود.

ایران دوره قاجار (رسماً از بعد دوره صفویه) دیگر چنین ثباتی ندیده بود. قاجاریان با همه کم‌وکاستی‌هایشان ثباتی نسبی ایجاد کردند. یکی از تحولاتی که منشأ قاجاری دارد، سفارت و سفارتخانه است. در ایران عملاً تا پیش از دوره قاجار، سفارتخانه‌ای وجود نداشت. این موضوع البته جزو دستاوردهای حاکمان قاجار نیست، بلکه تا پیش از این تاریخ کشورهای استعماری چندان سودای تأسیس نمایندگی در کشورهای هدفشان را در سر نداشتند.

از دوره قاجار که عزم اروپاییان برای تأسیس سفارتخانه بیشتر و دست استعمارگران درازتر شد، سفارتخانه‌ها هم مثل قارچ در کشورهای خاورمیانه از جمله ایران سر برآوردند. سفارتخانه‌های امروز در عمل با چیزی که از آن زمان می‌بینیم، متفاوت شده‌اند و دلیل آن را هم می‌شود بیشتر باز شدن درهای گفت‌وگو بین تمدن‌ها دانست. بریتانیا جزو چند کشور نخستین بود که هوای تأسیس سفارت در ایران به سر حاکمانش افتاد. سال ۱۲۲۶ قمری، سر گور اوزلی، سفیر بریتانیا، به دربار فتحعلی‌شاه قاجار آمد. از آنجا که هنوز سازوکار سفارت شکل نگرفته بود و قاجارها هم با چنین موضوعی ناآشنا بودند، سفیر مدتی در خانه محمدحسین خان امین‌الدوله منزل کرد. در همین سال، نخستین سفارتخانه دولت بریتانیای کبیر در جنوب شهر تهران قدیم و جایی حوالی دروازه عبدالعظیم بنا شد. بعدها، پس از گسترش شهر تهران و یکی دو سال پس از احداث خیابان علاءالدوله (فردوسی کنونی)، سال ۱۲۸۶ قمری ساخت ساختمان سفارت بریتانیا در همین خیابان آغاز شد. این ساختمان همچنان سفارتخانه این کشور است. بنای تاریخی سفارت انگلستان در چهارراه استانبول تهران، فروردین ۱۳۷۸ به عنوان اثری تاریخی فرهنگی در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

● بنیاد اتحاد دولت‌ها

باغ سفارت انگلیس در قاطع خیابان فردوسی و جمهوری اسلامی تهران، حالا رسماً جزو معدود باغ‌های باقی‌مانده از دوره قاجار در این منطقه است. روزگاری چندان هم دور نیست. این قسمت شهر پر از باغ بوده و حالا این بازمانده، پهلو به پهلو یکی از خیابان‌های قدیمی در روزگار تهران مدرن است که امروز پر از ساختمان‌های سیمانی بلند است.

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، بنای جدید سفارتخانه بریتانیا در دوره ناصرالدین‌شاه ساخته شده است. طرح این بنا «جی دبلیو وایلد»، یکی از موزه‌دارهای لندن بود. محوطه سرسبز سفارت شامل منزل سفیر و ادارات مربوط به سفارتخانه می‌شد. سفارت انگلیس امروز در میانه شهر است، اما زمان احداثش، در شمالی‌ترین محله تهران آن زمان بوده است. بازدید عمومی از باغ به جز برای مراجعه‌کنندگان به سفارت ممکن نیست، اما از آنجا که این باغ زیبا بخشی از تاریخ ایران و جزو میراث ملی است، گفتن از آن خالی از لطف نیست. در گزارش ثبت ملی بنا عکسی از کتیبه‌ای تاریخ‌دار از کاشی در باغ دیده می‌شود که روی آن شعری نوشته شده است. بخشی از این شعر که تاریخ ۱۳۲۵ قمری دارد، این بیت است: «بنیاد اتحاد دُول از سفارت است/ اسباب ثروت ملل اندر تجارت است.»

با وجود این، این سفارتخانه در چند نقطه مهم تاریخ ایران نقش آفرینی کرده است. باغ سفارت انگلیس با درختان سرور دین باغ‌های ایرانی و خیابانی دلگشا، عمارتی زیبا و قدیمی در میانه‌اش دارد که تلفیقی از سبک معماری اروپایی و ایرانی است. باغ سفارت از همان ابتدا ایوارکشی شده بود، اما یک بار در سال ۱۳۰۴ خورشیدی همه دیوارها در خیابان‌کشی جدید تخریب و بازسازی می‌شود. در این بازسازی، سردر زیبایی سفارت هم تخریب می‌شود. از آن سردر فقط عکس‌هایی از دوره قاجار موجود است. با همه این‌ها، رفت‌وآمد به باغ سفارت داستان‌های جالبی دارد، یکی از این ترددها، اجازه گشت‌وگذار به زنان در روز سیزده‌به‌در بوده است. بیشتر بناهای داخل باغ در ضلع شمالی و غربی و چسبیده به دیوار باغ هستند. با وجود این، عمارت وسط باغ از همه بزرگ‌تر و شکیل‌تر است. کنار این عمارت، برج ساعتی نمادین ساخته شده است. مصالح کلی بناهای باغ آجر است و چیزی که در نگاه اول به چشم می‌آید، تلفیقی از سبک‌های ایرانی، اروپایی و حتی نمونه‌هایی از بناهای اوایل دوره پهلوی است.

● بست‌نشینی در سفارت

یکی از کارهای محبوب شاهزادگان قاجاری که معمولاً ششم‌شاه را هم در پی داشت، پناه بردن به سفارت‌های بیگانه بود. این کار البته فقط مخصوص شاهزادگان نبود، بلکه درباریان و تاجران و بقیه هم گهگاه دست به دامن سفارتخانه‌ها می‌شدند. آش پناه‌بردن به سفارتخانه گاهی آن قدر شور می‌شد که هرکه از دربار قهر می‌کرد، به سفارتخانه‌های اروپایی پناه می‌برد و حتی گاهی بین سفارتخانه‌ها برای پناه دادن دعوا می‌شد. پناه‌بردن به سفارت بیشتر از ترس جان و مال بود، ولی بعدها رفته‌رفته بست‌نشینی در سفارتخانه هم باب شد که معمولاً بست‌نشینان برای موضوعی مشخص التماس و ساطت بین خودشان و شاه را داشتند. در زمان مشروطه، سفارت بریتانیا یکی از مکان‌های اصلی بست‌نشینی مردم بود. نهضت مشروطه تا جایی به داخل سفارت نفوذ کرد که سفیر بریتانیا تصمیم گرفت بخشی از امکانات سفارتخانه را در اختیار مردم قرار دهد. بدین صورت، اتاق‌هایی ساده با چندین سرویس بهداشتی در انتهای ضلع غربی باغ برای مردم ساخته شد. در گزارش ثبت ملی اثر اشاره شده که همچنان توالت‌های بست‌نشینان باقی است، اما از اتاق‌ها خبری نیست. جمعیت بست‌نشینان و چادرهایشان در سفارت آن قدر زیاد بود که گزارش‌های سفارتخانه از لگدمال شدن گل‌های باغ و... گفته‌اند. با وجود این، همین گزارش‌ها گفته‌اند که تقریباً هیچ خسارتی به باغ وارد نشده است. برای درک حال و هوای باغ سفارت در روزهای مشروطه، همین جمله از ناظم‌الاسلام کرمانی در «تاریخ بیداری ایرانیان» کافی است: «بست‌نشینان با ایراد سخنرانی درباره نظام‌های مشروطه اروپایی و اظهارنظراتی که پیش از این بیان آن‌ها در ایران بسیار خطرناک بود، سفارت را به یک مدرسه با علم سیاسی تبدیل کرده بودند.» در نتیجه، می‌شود برای باغ تاریخی سفارت بریتانیا در تهران، نقشی تاریخی در نظر گرفت؛ باغی که امروز کارکنان دولت انگلیس در آن ساکن‌اند، اما بخشی از میراث ملی ایران زمین است.



۲۳ شنبه
۳۱ فروردین ۱۴۰۵
۴۴۴ شماره
۳۳۳۱ شماره

۱۵ SHAHRAJARNEWS.IR



تاریخ و هویت